۲ شایه ۱۲ نبرج داو ۱۳۰۱

مُنْ الله المتياز ومدير مسئول ؛ داور نماينده دارالشورای ملي

دانه مصعه اول المحال ال

سلحه دوم و سوم منقحه جهارم

معال اواره : طهران خيا بان علاء الدو له

از نکرانی ها را رفع میکند . 🐡

نخرا هد افتاد .

كاينه جيدً له چيست .

همان ير كر امر كابينة اول اقاسي قوام

السلطنه كه اقالي مشير الدولة هم أن

را تبول كرده اند خواهد بود يا چند

ومنوم مهم واصلاح اساميره عملي

مواد پر کر امر کابیته اقاسے مستونی

خواهد شد ران م

ما كمان مي كيمراين نكته قابل

تُوجه است و حر این زمینه نیزهینت

التلاف بايد تضميمي بكيرد المستحد

و هر حال اوشتن ارو کر ام

و امال أسان است ولي قدم هاى حقيقي

برای سادت جامه برداشتن مشکل

مرام را چنر بنویسند . 🐐 🎎 🕷

کمتر کنند خادم حقیقی است

خدمت بمعلكت أن ليست كه

ان كسيكه مشكلات موجودهرا

هد کس می داند که ایران بچه

چيز ها احتياج دارد ك ممكن است

یکا یک آن را شدر و تتیکه عمل

نشو د نازه یك آرنیكل خوب و با

بنا براین در این زمینه هم مامعتقد

بعملي هستيم اكردودوره ز مامدارسي

اقای مستوفی المالك قدم های جدیه و

حقیقی برای اسایش عمو می و رفع مو انع

و مشكلات بر داشته شود بجائ أينكه

خودشان انها راقبلا نوشته بأشند تاريخ

خواهد نوشت

ابرانی موفردن عادت کرده است عمل

واقدام برخلاف عادت ورويه او است ما

تصدیق دار یم که رفع این عادت مشکل

است ولی حیات وزند کا نی ما مو کول به

ممان است

المملكت واحرف اباد نخواهد كردو بايد

کاری کرد که حقیقتا مشکلات امر وزه بر

طرف شود به بینیم رئیس دولت ما چه

منوسطی است ه

تشکیل کا بینه د کر به تمویتی

بعضى انتظار دار ند ببیشد برکرام

## ﴿ عَادْ فَ اشْتَ بِوَ مَيْهُ ﴿

منسبر اکثریت از طول بحران قدرسی نكران شد و بالاخره بخيال اقدامي افتاد که در حقیقت از ابتدا می پایستنی دشت 

وينانك ديروزكمتيم رفع محظورات وليهن الوزرا با تعيلت المتلاف است الله اين مُواجِم أغراض به رئيس مُوكُ لُهُ لِللهِ كُنْ كُنْ تَا كُنْرِ الْرِيشِ

برود ما شمارا در. اتخاب وزرا آزاد می گذاریم – اگر تمارف زباشد – تازه برای جل اشکالات کافی نیست .

بهو اکر اکاریت هم افای مستوفی السالك را والنا مخار بكذارد الليت انتظارا تی از رئیس دولت دارد که باید هرست مطالعه كردرتن

و علم على إذ علما عليه مديح منتنى افليت را بايد بدير سام چه قست الرنظريات اقايان را لازم است خواهش گرد صرف اظر بکنند ۹ جسی کمان مى كنند اكر مجلس وزير ندهد مشكلاتي كه حمد را در زحست انداعته مر تنع عواهد شد - منيوقسماست يا خير ؟ این قبیل مسائل ر ا اکتریت باید حل یکند تا کابینه زود کر تشکیل بشو د مخالفین نتوانند هر روز یك انتشار تازه بدهند - اشكال جديدى پيش پاس ما بینداز ند ودر لباس تبسم بما بکویند از صده وظایفی که بر اکثریت است بر نبی آید

البته افراد اكاريت كاه كاه و تك تك یرای رفع مشکلات اقد آمی میکرد دولی ا بن قبيل أقد أمات خصوصي نه فقط كاررا آسان نمي كرد بلكه برخلاف تشتت افكا ر ونظر ها ى مختلف بيش مى مد و موانم تازه أى توليدميشد . هیئت مونلفه باین بی تر آییسخانمه داد ودر مبدد برامد مشكلات وميل دولت را بهر قسم شده زود از میان بردارد

این رویه تازه موتلفین . یکفسمت خواهندگرد

مهاست خارجی

## كنفو انس الى ندان

السليم مان ماهده به علماليها أ قبل از ابن كه در مسألل توانق اظر بین منفتین و عثیالی حاصل شود مانفین بواسمه طول مذاكرات و إشكالات ويعسكرى كم در متابل آن ما عرض العام أمودم به آخرين راه علاج منعيث شده منن عهد قامه كه خودشان بدوين قموده بودند تسليم عثياني **ر.ند:** ا

نيد بدر نهد .

باین ترایب معیالی یا باید مساهد،را المت كم قرار داد مقارحه جلك مودايي ﴿ بِينَ عَلَمَانِي وَيُواانَ ﴾ و مودوين ﴿ بَيْنَ عنیانی و ملفتین -- ۱۹۱۸ ) را ملعی

بر حب الحلايات إن سيد إلى سائية

می دهلد . جنانجه عنهانی معاهده را امضا نکند

ولى آيا عثباني م تواند يا سنتين

﴿ خَيْرُ زَيْرًا كَمْ بِطُورِي كَهُ عَصَمَتَ فِينَا اشمار داشته است بهتربن ليلات عثماني خراب

وقتی دولنے تسبت بسه مخالف خود جابع رویه انتخاذ می کند مثل این است ک الهام حبب كرده يا باسطلاح اولاليالوم داده وتدزيرا مد خبزقهات من بيشتهادي عكن است جرح و تبدیل سمل آورد ولی اساس آن

قبول كند يرد اليايد و أكر رد كند مثل اين

ميرود كه عليا في مناعقة وأ أسنا حستند بالمكس بي سبير ميكو اشمار مي دارد كه ختیانی مباورت به امضای مساعده احتوامد

عون أبن فلكرافك وتماوند بايد از رُوی تلکراناتی که در هفته های قبل بتهرآن خايرة " خده مطاب را بدات آورده بنا ير أن اطلامات كاعداً عنيالي ما بأبد معاهده را امنا كند زيرا قست مهم از آليودر البجه جنك اروا از دست داده بودندمها بق ابن عبد المه بان ما مسترد مي شود مثاسفاله از يارة اطلامات ديسكر التناغ منهاني از امنای معاهده بر می آید ایس در ماند من از جراید اشار می دار ند که عنهانی ما در شیال موسل یعنی در ولایات و أن و ديار بكر مشتول كمركز قوا مى باشد و همچاین ایکلیس ما ایر عده قشون خوددر موسل مي إفرايلد . بنا بر اين اركان حرب علياني و انكليس و ووع حاك را عنمل .ي دائلد أله از طرف ديكر بوناني ما نيزقواي خود را در سواحل رود خانة مارتيز المركيز

حلك ۱۹۱۸ تجدید خواهد شد

رويران كشته خالو أدهأيست كهيكنفر أز أعضاء

ريع اشداه

﴿ ﴿ حُونَ دُو شَهَارِهِ ٢٠٩ رُوزَنَاهُ مُونَانَ مُوزَحُهُ بِكُتُنِهِ ١٧ جَأْدِي الْإِطْرِ شَرَحِي معت علوان ﴿ تبریك و المهنیت بادشاه است موسوی زاده ﴾ دوج كشته واز ملهرجات آلیب معلوم میکردد که برای فویسنده مقاله اعتباهی حاصل شده و جان تسور قدود. است که هر عاكمه راجعه بناى موسوى زاده اعابه صدرت أقدس شهر يارى طرفيت شيفتي داونداتا براى رفع أشباه و مأوجه في ساطئن أفكار عامه يعطيات امن أشار ميدارد كه محاكمة آقاى مؤسوى زاده إيها مربوط بشخص شخيص حيوني نبوده و بلك مدى المدوى كاتانونا موظف بتعقیب احکانات از مواد گانوایه است مشار آلیه را بنام دوات ارای اخلف از ماده ۱۳۹۸ قانون مطاوطات بمحاكمه جلب اموده است ئ منعني است شرح فوق را خر اواين شهره روزنامه خوددرج فرمایند نمره اعلان ۵ Transport of the second of the second والمراج والمساور والربط معايه

( ۱۸ ) جادی الثالی ۱۹۲۱ ( ۰ ) فوریه ۱۹۲۴

این روزنامه بدون تقاشای کتبی برای کسی ارسال نمیشود

وجه اشتسسراك:

المالية المالية

و قيمت قل شيا ره تا يك ماه ع شاهي است

خود را در جاك از دست كداده ، باشد بنج کرور از افراد معلد (غیراز سه گرور ازمنی ) کشنه شده و این حال عثیانی نمی

توالد بن شد متفقیق شعول جنك شود مكر در فكراتحادوا فاقهاراير دول باشداين دول کمام اقد د در فماره آیاده خوامهم —دید

الزالة راي ال

والمراد ور وم يكنو 

عبلن دوساعت و قبد ظهر در قبیت رياست كالى مؤنمن الملك عمكيل شد. اقای رئیس ۔ مرہندایت از طرف

مبت اتحادیه تجار همان رسیده و کسیرن مرایش سلاح دیده است که در مجلس قربات خود د مریشه مذکوره که مینی بر اظهار نشکر

اذ السميد مجلس وأجع يدنع طروع مسعوك طسلا و نقره و تقاشای جلوکیری در ورود اشياء أجمل و تفنى يود قراف كرديد المراج مرزا عبد الوهاب تقاضا كردادك حواب ایشان داده شده و تکلینی حد برای المكار معين شود

شاعناده سرداد مفخد - اظهارا داشند که در آین اواخر که لایمه مذکوره أز وزير فوايد عامه خواستهشد اظهارداشتند كه مفتول نسبه و تقديد آن هستيمويمد أز اینکه دوبارهٔ در جندی قبدل مطالبه شد مهاسه الرف وليس ماليه فرسسادند كه منار اليه اظهار داشته بود كه جون اين مطلب خيلي مهم است و نميشود ما بن سهوات وای دادس بنویست کم یك اگسیولی سرای ابلكار تشكيل ورايرت جامع آيد و بيشهاد 

آقای سهام السلطان و رئیس التجار هم مملك فوق رأ أأثيد و بكلف يودن مذاكرات وای داده شدو رابرت کمسیون و در راجع

بالناه سارق ۱۰۰۰ ولار بر ۱۰۰۰ ولار مصوبة مجلس حقوق مهادس بلدى معارج و مادة واحده قرائت و جون مخالف فيرد ف ورفة عدراى دد باكثريك لمه راى ال وهفر عدة عاضرين صوب كرديد بس از آن لايمنوراي مولى سال

وٌ تَا ماده بإنزدهم قرالت و بين از مذاكرات عصرى در مواد أن يتنهادات واسافرانت و وكسيون الرباع لله المادة ال بن لا آل جرد تر المجاورات را غم وجال اجرازوز عنه و إر

از معتدر مذاکره دو خسوس فسوو اولا لایسه کبریت سازی طهران و مازهواهی ر لاوحه شورای دولی ولایت الماو ورکرد حزابر خلبج فرس معین و عبلسه دم مقید يىد از ئل<sub>ىر</sub> ھالىمائت

اخيار شري ...

الماكه ملهر قام

روز کذشته دو قبل از ظهر درمکه استيناف محاكمة مدير جريده قيام بالمحضور هيئت لمصفه شروع شد

، رئیس محکمہ : آقا حسین حمدالی مہنت منفقہ — آقای امین الملک — | أقاى سبف المالك - أقاى أمّا عبن أحد تبعريش - آقاى اعتباد الاسلام ببيمالى-آقای ترجان العوله

مدمى الدموم استيناف : آقاشيخ عمد ارو جردی :

رایس عسکمه در اینعاکه طود جناب عالى محاكمه خواهيد كرد و وكيوممين مي کنيد م

مدير أيام - اولا فوق المادمخوش وقت هستم که اواین عکمه مطبوعات تشکیل شدة در حاليك مدمى السوم بأم اعليحمرت شاه مها دعوت بمحصمه فدوده إست و متهده من امروز از روز مای متلفریت آزادی و سامات قلع و فیروؤی بشهار مو كَدُولُهِمْتُ وَهُمُا الْطُهُاوَا تَنْ فَمُؤْدُهُ \* يُؤْدُ أَصْمُتُعَارِ

غدم امتهاد دموه و در تتهجه ههات دوات

The state of the contract of

المِنْ الْمُعْلِدُ ٢٩ سُنَّةُ وَلَّ الْمِسْكَاهُ رَاهُ أَهُنَ

أندن يك لمفر سرباز ناقس الاعشا ماخواست

البوب زار إهاش خربق بهادهاه المستعلمان

معشرباز مخواور ازطرف الملمية وستسكير

A POST CAPE OF THE PARTY THAT IS NOT THE

ومطنوعات طارحه

Manual Mr. A. May . Change

المان بايد ممدوم شودم.

ال أزمان السطو أنا أبحال أو ع أيمس

مُبِعَةُ أَفْخَارُ مِنْ كُرْدُهُ كُلُ إِنْمَانَ بِكُ حَبُولُنَ

سالس الله ابن بك عنيد، موهومي المت

برا یك حبوان سیاسی باید اقلا یك حس

بأسور را دارا بوده و اتنا فان حسك در

المراف أو رخ مي دهد در أو مؤثر ماعد .

يعامهر فاله فوع يشر ميهكاه أهم ود جهد را

از خود ايراد لداعته و جوزيد بايد الك

ا مول هم إرسيده إست نزيراً , يموش وفي، ك

الويدا كدي كم دري أن تنفكن دارة ادو عوف

ا فيق عدن الت أن علاج "مَنْ عود فو

وارد كادائما بايد مواظب أن يودة وللداشة

ک در در. مای مین که بر که انجامنایت

مي كد ونند

و منادو بالسد سال قبل واديستفن ه

مطالب خود را به رونانی ما گفت، ولی امل

آ بن كور كورانه او را مسخره كروم و يك

رويه را أترفاذ كردند كه بالأخره ملتمي إن

الزماندَدْ، كلم مُزَاجِقَتْ مَن مُمُود وَأَدُدْ أُورُدُ

AND SOUTH OF THE SALES

الله على بين ال المراج رؤراى كاركزان راء البينهاد بلنفرك كوريست الله بالبندلوبلك

ا عنر المايلة، الجذية العقاب كردند كادرالحت

﴿ ﴿ اعضاه وليسه قدرجه دوم وضعاتُ كالوافعُ ﴿

را قبول لموده مثنول كارا شده دالذا الله الله

إلى الماراج عكم الملالف ( رن ) كه الملاح ا

المايندة آوالسُ للكرافروش أغلزارداشت كهدراً

مايات مشار اليه و تشكيلات امدادي فمبرات

الدائنة المائنة المائة المائة المائة المائة المائة المائة

رؤسيه كمك خراملا عد

الران ۲۹ سے حکمیت عالی محل عالمجات

اللون از شرارت اهالی کاسته شده و الزام میکند . آزانهای دونسلدرف اهلام داشته آلد که افراس است الد که افراس است الد که افراس الد که افرا

ودّارت داخله جوی دا در سلام عدادن به این دیمان به این می در در این در کرده بوسیله جلک میا

سامهان فوالسوى لجرا المغواهد كلره وي الما والم والما يه جلق ماكسوني الرحب الوافاي كه غرب جامه است يجاف

كُنَّ الْمُلَاقَاتُينُ وَاجْعُ لِهُ أُلُولِيدًا يَا يَعْرُونَ دَقَالُ إِنَّ اطْاعت الوامل مُقَقِّقِن الموه، يود يَدُّون شدا

ا سنك بة بك دولت ا خارجي بدهد اقلا عكوم ا وقوع يافت و ما المعنو المعنو المعنو المعنو المعنو المعنو المعنو المعنوا

the make the state of the state

به دواماه حبين اخوامل شد استريك المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع

اشقال قاحيه روم تشكيل من يابد برائ كاد أ العيارات و وسالدن الدر بفلاحت وزراعت

1. 5. 1. 7 1. 7 3 m - 3 m - 3 m - 1

أسرف كندكان روهم " ونده باد قشون المودند كه منى بر اعلان بي إهتبار بودن

عَنَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِ اللَّهِ وَ اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ وَاللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ وَاللَّهُ وَ اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّا لِللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّالِ اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللّمُ وَاللَّهُ وَاللَّالِيّالِ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّالِي اللَّهُ وَاللَّالَّالِيّالِي اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّالَّالَّ اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللّلَّالِي اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّالَّ اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّالَّ اللَّهُ وَاللَّالِي اللَّالَّ اللَّهُ وَاللَّهُ وَاللّلَّالِي اللَّهُ وَاللَّالِي اللَّالَّ اللَّا اللَّهُ اللَّالَّالَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ وَاللَّلَّ اللَّالَّالَّ ا

المان - ووز ينجفليه تجزيه لاحبة - الهلائب ٨ ٩ ٩ ٩ المان شركت داشتلد

هاسره ناحیه فرومی موجه الادادی د مادن ولیزیه از کارگران دعوت میکنند که

از طرف كال كران نشدة حرايد أعلاج مي مراى ميارزه بافاشيت ما بتشكيل قواى وقاعها

اآلان كله القرنودة شديو علاجات ورنجيران السيدان المان كله المان المان المان المان المان (ب م)

المعنام ران بمعن ارا - كه زاراى مبلغوت العتصاب المستام الماء المستحدد الماء المستحدد المستحدد

وجوء زياد در يافت داشه آند مورد ملامت الله مورد ملامت الله ١٩ - عرا معبون بإزاما المحترب

قرار عاده لله دارا كم أن ها يه منافع كابه الله قرار قطمنامه تسويب الموده المت حكه

كار كربان لمعامد وارد مى اووند المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة الوضايات معمارويا

وحند كه أمالي أزاعكماياتي كه إلحث المناحث الم ورموسات مبادرت جويند

الركوان والما آمن دو ﴿ دُوسُلدُونَ } ﴿ وَالرَّهُ عَادِكُمْ مُدَّا المَّت وَدُ مُعَالَمَهُ إِلَّا

لطارت فوالنوليها مفغول كار شود .

آمن از دسلدرف مسلمخد من راه آمن بك الله در جندى قبل در نطق بركرام خود برعليه

ور نیام مملکت السان ثبت أسامی داو طلبان

مشروع بكار الموده الله علم (ارء)

A MARIE LAW AND A STATE OF THE STATE OF THE

مينا شاعاركف المددر ووسات عظله شهرا

لوذاه ۳۰ – متنقين متن قرار داد

هانوور ٢٠ ــ خلسات كنفرالس تا أ اجلها عابى إراى ايراز بهوانست بن عليه المين ابن ابن ابن المد الوسيله فادن قرسة ها و العطاى

ا تظم جریان دارد

آن دولت مشروع نين سازد الله الدولت اللهان مقرر فاشقه است كه مرا

ا من المودند ولى تهديد الحير قراد ها ولظرافًا

ا آن ما بسمت موسل باعث اشتقال احساسات

ا نفرت و شجرت اهالی خواهد کردید بعلاوه

ا درابط مذهبی و نژادی بین اصاب وترک ا

الماج وجه نقشه تراه ما را براى استحلال

المراوزان مع - لايحه قرارداد بقاذها

لايحه منزبور بههجوجه قابل قبول

ا به نهایتدگان روس اسلید داشاند. بورین

إنايندكان ساوقي ندي باشاد در لايسه ، قر أرا

داد عبور سفائن جنسكي اذبغاز ما تبد عده

I see all of the start of the

قرار داد فوق الذكر قرة اللج را بيوان

كذار من حسكله و حل أمنه موسل وا

لائعه قرارداد بيش نهادى متفقين بهياجوسه

اللين - جريبية [ فيل مبل ] اشار

ر می دارد مان طور که قرانسوی ها در تاحیه

( روم ) نوایت اعتدال را عوان داهند نمان

طوو در لوزان دوسای خودرا نسخها نکلستان

از داشته وعوض ابن که کشرانس لوزان

لتبيحه بمائد بطرف موفقيت بيش معرود

(· · · · · )

عصبه مكل عوديموجيات حفول الواقق ظار الله المعدم اتفاق أمال المديد من كفد و الر

رود کا اعلی معشرت شاه پس از ۱۸ دال مدمى المموم - عاوز شروع المحاكمه مشروطيت امروز حاضر شده كه عظمت قالون لشده الله شها ميتوانيد حودنان عاكمه را در تهام دلیا آایت اماید و بوسیله این عاكمه مي خواهد مماكث الخود را أازه إله وشروطيت و خود را يك انر قانواي معرفي المسكمان معزا وارساست در مقعات بر تأريخ أين اولین قدمی را که برای تهذیب قالون شخص اول دولت بر داشنه ثبت شود الما الما الما و ﴿ ﴿ فَالَّ ازْ أَيْنَكُمْ ازْ ٧ مُوسُوعٌ مُعَالِمُ مِنْ معنكمه أو محت ألفغاب لميثت أشمنه الم ُ تَكْمَيِلُ مُثَمِّدُهَاتَ وَ\* لُوارَمُ الاَرْمَهُ أَ ٱلرَّعَايِمَ ۖ قَانُوالِيُّ أعارج بشوم شكيل ابن محكمه و طرح ابن دُّعُونَى وَ أَحَشَاوَ خُودُم رَا أَنْ أَفَاخَارَاتَ بازرك موره زندكاني خود مي دائم زيرا كه ایم، اولین محکمه ایست که بین یک نفسر بادشاه و يك نامر روز المه أكمار الشكيل شده البته شخس آقای مذمی السوم و هیئت حاکمه و عبات منعفه تصديق خواهد كرد كه نقط ينهم يمبورجب بالشراحضا ريه بجل كه نه جهة ان دو احمار و نه دعوا و نه مورخوع را شرح داده امده ام در صورتی که اایداش و شوم ولي محاكمه لمي جيام أا واق كاسواد أدما نامنها احفارديكرى براى من فرسااده شود يدوجب بعامه ۲۱۴ در جورتيك احضار تامه مطاوق قد الباشد ره میشود ووس از آنکه وحضاريه ياسواد ادما نامه سراوس فرستاده شد محكمه وايد مدتى ومن موات بدهد تا كاملا بدلایل مراجه آموده و مهمقابل استادی وا است محملات فرای عاکمه نمیه ندود. ای تقدیم دادم خارجه رسيدة خوااى جاهير متحدد قنقاز يه تسمير وثين محكمه سازشما سنوال شده كه خودتان محاكمه ميكنيد يا وكول معين مهكنيد أبن مطالب خابيع اذ موضوع استجواب محكمه رابدهاد و این جلمه را برای همین محاکمه معین کرده اند

> ماده ۲۱۳ که ان ماوسل شدهایدراجم بدحاكمات حقوق الب

مدير قيام سـ مطالب فوق را مجددا بيان المودند و آة ند مدنى را يرايدن معين كليد تا خود ياوكيلم بيائيم "

از عمليات آونن لوين

المراح - قدمنهای منتماوی است بایك بك جبز

ات که من یا وجود دوسی و مراود کابلی که با لوین

هارم ه منوز تفهمیده ام و آن ترقیب دسته پندی و

تفظیم همدر آن او است . مواه زمین هر این که نوین همدستان متعددی دارد هایج

تردید نیست و بعض از عملیات لوین نابت می کند

كه خُمْدَسْنَانُ لَمُعَانِعِ مَاهِرُ وَرَائِرُ اللَّهِ عَلَيْ فَارَدُ لَهُ امَا دَرُّ خَصَّوْسُ ا

اَلِنَ ﴾ الْجِنُونَ إِن أَنْ اللهِ الْحَارِي أَنْ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ الله

ون بكلي مي اطلاع هدتم ، جوانكه لويان السرار خود را

فَاقِينَ مَلْمُنَ وَالْمُنْدُونُ وَا يُكُرِّي هُمَا يُمَّا الَّهِ فِينَ مُعْدُولُمُدُ آشْكَارِ شُرِد

عكى درالسحاد على بارده بهر رواي بقر بويد دوي

عدود و چالای همتند که قسمت قسمت از یك شخص

غصوص تعلیمات می مستخیرند و مبیج کدام از قسمت

مامد با بات دیگر آشاشی اندارند این دسته جات در ا

إزنجال الم حيديا خان زقد منتشخالمه وعوى مدمى المموعى مدافعه كند ودر جلمه على جات ارزاق جند وري است والميد شده ومعفوله ا حل أجنس ماليالي بطوران الثات اخير ااعلالي که برای خرید جنس مد حاضر است لفار بفقدأن يولدر خمسه ممكن است خريد حباس ببشرفت أحامل كلد مسامع موسوس بالموس اروجرد ـ جلسات اقان طبا طبائي ا علماً يَرْ خَدَنْتُكَالِ عَدَلَيْهِ هِنْ رُوزُهُ مِدَاوِمَتْ دارد حکومت، هنو زمونق به متقاعد کردن ان ها أنشده است لجدا العطابل عدايه واحواستارند

> وادعانامه مجددا إيان نمودكد مدعی العموم ـ مدرك تعنیب هان صفحه روز قامه شمالیت مدیر قیام نه من صفحه روز نامه خود والمدرك أمي داند زيرا در آن چيزي ايست كا بأواند الموضوع تعقب اعود الاعرفة وروزمهات إله أقاى مؤسوى والده معلير الله التيام الواده شد و مقرو حرديد

وورسة شابه الم شهر جاراني وكيل خود وامراني الما لمد المسلما بند لله لنامات قبل أو ظور خواهد بود المحالة المح علیه " گیم آوری اسکناس " ا

ار نقه اسکاس هم تمی که در جاهیر مزبوده رواج داده مع مرده ودر عوس برای کایه جاهیر قَفَقَازُيهُ بِكُ أُوعُ السَّكَمَالَيُ مُنْحَدٍ. الشَّكَايُ عَبَّاتٍ والمعراع تبديد والماء عميداند واز معامات و شي العلان شده المت اشخاسي كالمكان جاهير أذربايجاذو كَرْجُنْدَلْنَ وَ الْوَمَلَنْكُمْ الرَّا دَارِلِهَا مَا الْوَلُّ مَارِسَ سن خاراه "بللكواي قواتي آورده بال اسكناش مائي بعيد ماون المايند الله والمد والماره

كابه عالك دليا معليم باواده يك نفر مي اشند و عيم يك ا

هم او را نمی شنامند ، فنط توسط و وسای خودشان . که

شابد أز ونقاى صربي لوين باعتد اوامر او دا, الجام

ماسدهند . و و البر ه و د و که رای ه قطما جزء رؤساء عرم

أسرار لوين مهاشند . و اومين مناسبت هد او د ڪه

عكمه باالها أقدر سُخْلَلُوي كرد وابن دو نقر علاوه إر

بودة المن ، حكم اعدادعان بلافاصله اسادر ميكرديد

ا أبات القصير آن هو يود و هو المر حدّاي أوكر مقتول وا

المنون شنيده بودند كه فرياد مينزد . • أمان 1

المُعْدَادُ اللهُ الدُونَارِدِ اللَّهُ ﴿ تَعْنُونَ دَلَيْلُ مَيْرَمَقَ بِرَأَى الْ

الفصال المارات والمعال المارات والمعال المارات والمعال معزز الدولة فايب الحكومه يحضرت عيد

احادروام

كنابد يا وكبلي معين كنيد كه كاملا بنوالد از که تمیین میشود وکیلی خود را هرامهباوریدها المدير قيام شجاالجه قبلا بمحكماص ف كردم قبل از آنكه سواد أدهاامه و دلايل أنهاقات فرسناده اشود وبدقت مطالعه ودلايل دفاهیه خود را حاض کام نمی تواند محاکمه ابايم وقائ متن ادما المه فرسالهم شد خودم بوكيام شاخر، خواهد شد 🔞 🔞 د يار مايي الرائيس عكمه بشيا على الدهدك أولال حنود الشمان والمعرف اماؤيد المسلمان والمسارق "أخلات ك تقبل المكومة "منفول المُعَمَّدُ إِنْ فَاقِيامُ السَّهُ مَعَالَبُ " فَوَقَعُ الْوَا وَأَجْمَ

كرفتن وشوه مي باشد حمل ارزاق أينجا بكاى از مد كسيخه المستديد رفسنجان— جند روز تبل دختن استاد قاسم منتماط را خنه محرده الودنداس از تحقیق معلوم شد آسید عام دائی و حسین خان تلمی در جال بنستی: بالای سیر د ختر رفته در جق - ديروز أبواسطه شدت باد

سه راس عال از كوه المنظرة المده أيت ليو وأرده تدم الز طرف اداره تنام براي تحقيق هلت الغير إبت و الإنك مال هاي يوت شه چه با دی دادیم اندم مامور وخد المت در اورد بموجب اطلاعی که از نظیس پوزارت

العلامات متمرقه

در سد داوا واشند به با بای بای است يك پروفسور آلهاني اخيرا اختراع حديدي برای تحصیل دنزین از انت خام آمودهاست . عندع من ور مسلمی است که بوسیله مانین د الماركاركاردا الماركان های عضوس تحصیل بنزین در تعت یك W W G CLE . LA W أكنفرانس لوزان المطلق المام بالمام فتار عموس آووده شده يو دير تيبجه آن مقدار بنزین که میتوان از نفت خام تهریه عنب روبات أز باريس قسمت هاي عدد تمود سه الی حیار برابر بعیزالی است که أماهد صلح را كه تنديد لركوا شده أست يه حالاً بدست مبايد . لذ قراد اطلاعات واصله

مرا مهكشاد ا و و برسيد ا و و و المره الله الله الله المرا الم المستجود الموداد و يقين اللت كه آن ها فقط أدرار

الفرجي آنكن — ورقيقش بودندكم مردودوادت كتبي خود الله بلور عا را لمتى خواستند ببجوياه و اللبته اين قطعه

الوين از هان روز اول نهميذ ڪه فنيه سورت مورتيڪه شيانه آن را از مُلْمَرَل عني من رَبُودند ه

متفقين و الفت دوص ل

غير القالى شود ساميروسه مساور و مساوره مساوره مسمودة الدا أزادى كامل بداز ما برائ مقابن عَبْرَايِدُ الْكُلَّهِسُ ۚ وَآمَرِهِكُمُ مُوضُوعٌ الْفُتَّ مُوصُلُّ مُ أسجارای و طایسارات غیر اظلی مکی یوفق که علمانی جزو یکی از ماخاصمین باشد در این صورت فقط سفاين بيطرف حتى ورود در به ازها را خواهله داشت و عنمانی میتوالد وأنها والممالية كند لدحامل قاجل الجنك فياشد

نفت إدكو به بهلاوه دو طرف سواحل دار دائل و شفور ١٥ كيلو متر در ظرفين ساحل و حيزايو بعور مهمره و غیره باید غیر بانظامی شود وابعاتر كها مختار مستنديك ساخلي تي مركب ۹۲ حزارتفردر الامبول نكاهداريد

فملكت خود واحفظ وحايت نهايد

مادسا حق حاكميت قسولها إصولاءاني أست ولى أثر قبوات موقى هد خصوص مسائل

مه تلكر لقات الملكة إن المناوية عالى الت كالدين اجزاب النوال البوت بسليلت كالزان

مصنى كال إشا قيل إن المكممد آنفره حركت نهايد سرقبر مادر خوم وفنوودو العجاً قسد ياد كرده أيت كه اكر عملك وي مجرورشود مجددا اسلحه در دست كيرد تها زُمَانِكُم عَادِلاً شَامَدُ أَزَادِي رَأَ دَرُ آغُونُنُ لَكُدُدّ اسلخه الوفارا برومين ننهد أما الماسية

وأيونيها در ضده بدست آوردن ختى استعمال ابن اختراع برآمده وبا عنزع من بور داخل

قرطبق اطلامات واسلمواخيار ملدرجه در در بين منتقين كالملاقطع شده اطلاعات مزرور

شعبه الودم البت الكابسه المتباء ورصدا

السوى ها پيست و پنج در مدس جاهي

پسیت و پنج در سد برای آن سکه

بهاميريكا مددراين المنباز شوكي دهند قرار شده

ه پست در صد هد به آمریکا واکذارشود

ك الكليس ما جهل خرب سد و مرالتوى ما

أجلندىء إر آمزيكاني معر مركدام أيست

قرار ديل ملكراف ميكند ا

المنجات الدهد الأسام المراجعة المنتقل المراجعة ا

ينملي او چکي کرده اما خيالات او را در اين خصوص

خطر انداخته الد أ اكرنجه ظلعما مي سؤواستند المؤال ا

وکیل وا بسرفت بیرند ولی در یاطن مقصود دیکری

و المالله و آبرای ایل به مقمود طود زیاد کوشش

الله المراه الما المراه الما و اعماق كنجه ها را

مخلصراً كوشرد مي المالد كه آمريكا يوجسب رار داد های اخیری که منعقد شده، در استخراج نفت موصل في فرالمه و انگليس شركت خواهد أمود أ

ا بر جسب احصائیه که از طرف اداره مرکزی افت آذربایجان طبع و منتشر شده مقدار عصول أنت خام در باد كوبه در ماه سية امبر الكذائعة والغ بار واسرده ما بوق و يك لسد مزار أو أشفهد أو أود بود بود الود است

خامسا عثماني متمهد ويشود كاكايه سكنه في است مومل بي الله الم كمياني لفت عنماني كله امتيازه أفت مونتك ولا دارالمعن أل غران فيدفي تشكيل

أماوني وخيره ادادة عواعدا شد الاساسا سالها علياع الماسودة كالعليون فرونطوني

تكليعه بنوالاطبارت جلفا خؤاعهيهرداخت بوالنبها ورحاما لها أذ مطوعه اخوف الدليه برامات سرف نظر مینهایند شدرامات سرف نظر مینهایند شدرامات سرف نظر مینهایند en a sella de دَيِلُ أَلَّ مَالَعَمُ سَايِرَيْنَ كَدُرُ حُودٌ إِنَّ الْمِنْطُرِيقَ

يندان خوش بين نوياشند و ملائد و المارات اجاك بيان تر شده است 

البين متفقين وترادما بهيجوجه المنافع ساسفاد إلى اقتصادقى ملت عرب سكته واحلل وارد المواهد عد ١٠٠٠ المراهد عد المراه Me to pay still a the all with all making the وَسَهُمْ النَّمَالُ ثَرَاتُهَا كُلُمُوالِسَ وَيَكُرَى كَشَكِلُ أَنْ اللَّهِ عَلَى هَا فَسَلِمُ أَمُولُولُ اللَّهِ اللَّهُ اللَّلْ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّلْ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّلْ اللَّلْ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّلْ اللَّهُ اللَّهُ اللَّلْ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ ل

" dried

ازقراريكه اوام يبك اظهار ماشته است

معنك مساما يو قوح خواهد بيوست

س الوزان س سلطان حسين بادشاه حجاز

در مل باد داشق بعنوات گافرانس جابن ا

اشمار داشته است که دهاوی ترك ها باسایش

من وأشد و موفقيت صادقاله وزارت خارجه

الكلمة أن و مساعدت متفتين و الكماستان در

اين كنفوانس واجع يعفظ استقلال هريستان

مسلم می سازد که در ساهده صلح آخری

ور موقی که کرون معامده صلح ارا

شدة و اميدوارم عصمت باشا آن را قبول وا

نموده و تصور المايد كه خواهد توالست به

مييعام وشهادهاي خوب را وداميكند

مست هامًا براى مطالعه معاهده يك

چنو عقت طواست و ، کفت امید وادم وس

مى شدند و قدوحات مصطفى كال فإشا والقدار ( الم

بلاده فین لاف میزلدگه در مونع خواب کمترین

و المالي أوا عليده أو كوچك قرين عرصي ادوا بهدار

ولى ١/ز فرط/ اضطرياب و وحشت خالة كوجه لا مالينهون ،

سوا ارا المرا في عاد المرابع الكذارد

Let I will will be as with

منا سفاله از این بایت هم تبرش سلك حورد .

مَرَانَ شَعَالًا مِوْد كَ مَعْسَرِين رَا دَرَ فَرَيْشَ عَاكِمَهِ كَسَلَدِ

و قبلاً رآن ما وا در مجلس ( سأنته ) حيس حڪوده

بودند ، در و سالنه و هسم هه کس می دانست که

مَعْصَرِيْنَ قِبَايِسَى بَا شَارِجِ رَابِطُهُ دَاشَتُهُ بَاعْبُدُ : أُرُورُوشَبُ

آزُان الله های معنصوس مواظب ( زایار ) و (وگارآی)

و دلد و آن دو بد بخت را از ظر دور اس گرداد

لوین ، که در این موقع هاوز ازیاست آامینات.

سپس بسا ( و بار ) و ( وکه رای ) مشغوله

السايم محمد الإشا المود حيين اظهار داشت

كه اين معاهده والموايث حوان مردى و فتوت الكاشته

الماده ٧٠

اولا الرائد ها ال كايه معاوى خود

ثانیا یا ملطه بانزده کینی متری دو

طرأين سرحد ازبحر ادما بخر اسودايس

ر مصر و سودان صرف الهر میگنند 🖟

وا فراهد سازم کففرانس مدت ده دقیقه برای دولت عثمالی تقانسا می کند که فراوداد ( رومر) و سر حد بلدی آن اداه، داشت می باشد و اینانی تقانسا می کند که فراوداد از برسینت می باشد و برسید و متاوره منختشری طرف الروس المرف استناسد و الاعرم قوای نظامی عنیانی ها را استرکی می کروند کوتیف شد ه مُتَقِينَ عَمَا خُرُوبِ بِكُ عَلَيه بِتَهِكُما ميات ور اووبا نَا بهت هذا فقر محدوده وساذد. واد لهابده کان انکساستان و قان و قت الائمه قرار داد پیش نوادی منفقین جهیم داد لهابده کان انکساستان و قان و قت الائمه قابل قبول انس باشد در لوزان خواهند مالد بطوری که از مطبوحات حماق مستفاد مي حود الكار حومي بر عليه حرك ماشدة است مثلا جريده الدراق "جنين مي كويد كه يه از الوقع ايادي ظامرك ما ازين انهرين مرافى ما داشته كم كم متعابل بسمت أرك ما

> كرد مازابن دفعه أتفاقى افقاده يود كه مدود لوبن مم المناهم ما ما مال ابن مزدى مهموز لوبن ورا اذبيت من

The same of the sa

كرد . خونك دو مسئله لايلحل خيال او را راحت نهى هم أرض إلكنيم كه و فيلبر ع شيالت كردم و بالبس١٥ ز خانه نخنی لوین مطابع اموده است ، ایجه حرت در

الله من عجيب أمر أأن است كه ملوم أيت أز جه واهي إلا اطاق اووارد شدم اند ، لوين حمه شب اايو مادت در را از داخل قفل نموده کلون می گند ، آن باون صبح هـم كه إذ جا برخاست ، دوب اطاق كافي السابق منتفى اود ، پس أذ كجا داخل شده و سيرتنك المور را طعار الکه مخود کرفله است و ایگدفه حکابت دردی ا معلوم می شود در نظر دایسکران هم اهمات بسیسار

ا الد ارتكاب آن هم يتمه أجتاب مي كرد . إين دفعاوفة ايش مُحَدَّامَتُ ، أول أينك حِه كس شبأنه بخسأنه على أو ا آمده و خراك را ربودة الت ؟ فقط ، ويأبر ، أن يك ود دادت مختصري كه من از روى كلابحة الوجود الله كوجه و ما بين و المطلع بود الماوهم، ا که کاملا طرف اطمیدان و بعلاوه محیوس می باشد - اکر همد سأى نوبل طراكب قتل هم شده أبودند و اكر ثابت المنار مي نهايد : أنكار مي نهايد : أن ما طرح شد. أن ها طرح شد. أن عرض ایلک خود لوین را دستگیر گفتد , به ربودن سر آناک بلور قناعت آموده اند و

ميل خود در عدايه مذاخله اعايد ، بس از" بأنزده دوز دو تدکی ما قبت یا کال اضمار آب در دل به معلوبیت خود و المخر المخيال المقاد كم أن ( دويراد ) مالك بايد المرور الم مؤل شود أو مشعول تفعيش وتبسس شد

اولی سرتنك بداور ، برقائی ایکد . بدك بتواند سبب - احميت آن را بفهد ، از طرف ديكر بخود من كفت: ( ژیبلوس) ازا کجا کار های ( دوبرک ) را میدانست؛ جكونه مواظب عمايات او يود ؟ أجه كس باو كنه به بود کی وکیل منجلس آن شب زا در خانه نیست ۱ این معكلات لازم أست حل شوند .

و دوبرك ، پس از ، حادثه دُرْدى و قتل اوكرش خاله دهقالي و ماري ترز له زا ترك گفته په باريس آمده بود و دو سمت حب باغجه والامار تبن ، كه در قسمت لوین خود را بصورت صاحب مال پیری ساخته عَمَالُي بدست كرفت وروى يكي أَر المِكَامُهَايُ وَبَاعْجُهُ كُهُ

مفتخر اشده بود ، و بمبارة آخرى في نوانيت مطابق المقابل خانه وكيل بود به نشست ، از مان روز اول یك كشف تازه كرد - دو نفر مردك المناق عمله حات وا دربر داشتند مواظب خااسه ع دور له عا بودند : وقنيكا وكال عباس ازخاله أس يوون مَنْ آ.د الدو المر فوز دور أووا ماقب مبكر دند و عبن كامراجات مالسكرة ليبهم بمعض النكا جراغها عادوش The colonies of some in the same in the sa

لوین جون آنهاداً نعفید کرد معلوم شد که آژان تامينات مـللد وين ، الله الله على الله على الله بخود كفت : حاوب و المعلوم ميشود و دوبول ه هد طرف سوء عن بليس واقع شده وله بند عاقبت كار بكا مرسد : المسلم المسل

روز چهارم وقت مغرب شش فقر دیکر هم به دو نفر فوق الذكر ملجق شده و در الريكترين زاويه خيابان حود را از انظار مخنی امودند ، لوین زیاده از احد. المهرب كرد وقتيك ميانه آنها « براسوبل ، سباح وواليل

مشهور وا شلاخت والشعفي جا لك كالمهم سياع الو شكارجي أمعزوفي أود ولى تجديدا بملت عمرةووي وياست واد الانشاء الليس وا بذير فته و آلجا وا ادارة مي كرد . الكوا فت فوين بنا لحر أورد كه دو سال ميش مابين ، دوبرا ، و حمين ، براسويل ) مر ميدان و باله بوران ، زدو خورد شدیدی واقع شد فرهای آلرود عد و پراسویل ، بعدیف اعلان دولداد ولی و دوارك ، از أن امنناع ورزيد و پس از مدت قليل وبرأسويل. منكشي اداره بليس كرديد . آنوفت دن دل گذت و حکایت فریبی است ۱ ..

سيسيدو ساعت عنت و پراسويل ه و وظهايين دود شده و بطرف خیالان د هسالری مارش به روست در هان أبحظه ، دوروا ، از باغجه كه مجاور خمالته اش بود أبيرون آمد ما دو" الفرا وابيل قديم المسته ر ملاالش رام افتاداد وبالو يقامواي كوجه ، مت كوف سوار شدال المال ال A DO LE STATE OF THE STATE OF T

The state of the s

أي يكد يكر وافتاده الد أو مركاه به أسابح اشخاصي مانند كلما نسويا إوانكاره كه تبرواج منیدهٔ اعدام یك ملت دیكری را می كردند كوش داداد بالاخره بس از مدتى فهميدند که این اقدام اثرات مطبوعی برای حودشان تُعامَنه و تعدف دنها أغلب رو به قنا

رفقه است و به به مطلوب باز بکدنمه دیکر يك جهائي است كانه أنها هي فرانسوى وطن هِن رُونِ به منهمة ظهروأر من رسالند . ما امروز ها اماوری که اریستفن الهدام تمدن اقتصادی للان از خارج به آن تحمیل شده و مقررات ماهده سلع است كر ابن عملكت را دارد رو به فناسوق می دهد و واضح أستُ كُهِ أَينِ تحميلات إِ مَبِرَ أَنْ تَمَدَّأَي كَهُ مَا

الساس تمدن إمروزه أروبابر حاوم قرن توزدهم قرار حسے قد و این علوم عمر یک مسله بینالللی بوده و مست و آلیان مم ۱۹۰۰ خود ار ا والبع أبه المرقبات و أروب عام كالملاانجام دادة الت في أمروز فانحين جنك الحد بوسيه حملیات میاسی خود وجود و توسیه علد را ينجو متخاطره الساخله وترق أن أرا دو آا مان

معانت و مزاران عللديكم قادر به تحصيل نبوده في منخصصين علوم مختلفه و معلسمين والشملد أن علك ويكر الميلوا للدخامات وخود الن تحطي علمي كه امروزه أيش آمده لمدن دنيا را در معاطره الداخله و منتاين أَمَّا وَسَائِلُ مُعَمِّمُونُونِي خُودًا دارند رَّبُّ عَامَ ال مُمَدُّنُ أَوَّا أَبُوا أَمُرِكُمُ لَمُنْ أَمُر المُنْ أُورَ أَكُر شَمَا يَاوِشًا بِلَ معق خكاله والشندان أويدندكات مُنْفَكِّرُ فِينَ \* ﴿ وَ أُرْجَابِ صَالِعَ ٱلْمَانُ وَا لِيكَارِ مُوُّده أو به أن ما حِتْي حق حيات مملد هيد عُلَامٌ مُيكليد ، و أبن ظام دامن كيو أليان إنه النهائمي لمخواهد بود ياكه د نباي متمدن وادر فلاكت ويد بعناى غرق خواهد نبود . امروز : ز ندکائی ما پور ووی علم قزار کرفته و اكمر شا بواسله حمالت خود ترقى عام را مانع شوید باید بدانید که فیشه ردست گرفله و بر ریشه نمدن غرب میکوید ندوی يَبِشَتَرُ بِهُ أَيْنَ وَضَعَبَّاتَ أَدَاءُهُ دُهُمِدُ ثَا يَبِينِيد حِكُونُهُ دَلِمِهُ رَا بِهُ يُرتَكَامَى خُواهِيد رَسانِهُ كاسرمايه دار وبيسرمايه داخل يك كتمكش الله الله الله و الحراين الكاي دمارا أز ببخ

> و المراقعة الله قبل بالانتاء د الله المراش امضا گردید و در تیجه آن هرکه در کوخه های؛ وین میرات و آن مناظر هواناله دا! مشاهده میکرد میشهمید که تنایج این سایع بن ألداخان خاليان سأهانت ها يسبورك مينزة بذكم أمدن دليا ورا در خطر الداخة است وطولى نك يدكه همين متفقين فاتح كه اين شرا يطستكين رابه اطريش تحميل كرده بودند الجارشدند بالطريش

صورت بس هوالماك خود را در اروبا نشان ي مَن دهد حمله و المان بايد معدوم عود ه ورستى يه آن عقيده داردباك ابن عقيده جنرو يا جشماً خود ملاحقه من كـايم . اوشاع مالات دارد .

ابیان مردم آن سر زمین شده و عملا انرا يونان را مي ديد أنهدام تمدن المان را قُيل أَزْ حِنْكُ بَهُ آلَتْ آشَنَا بُودَامِ كَامَلا

عالم كروه الله و المجاكرة آلهالي امهوز بواسطه كراني

قرض داد، و او فقای دائم او جاو کبری They be a lot and all place to got abylot

أمداهدة طلح ورسايل را كالمسالسو توشت هم فکران او ادر فرانسه و مجلس ملی آن قوی بوده وکار هارا در دست گرفته آلد کلمانسو یکی او آنها است ر رویه خنهه اصهوز حكومت قرانسه نسبت به المان اخليار گرده هان وویه آنات که رس به کار تساو دأشت و بالاخر النبجه الد حلال ان علكت وا در تاریخ همه مهداینم .

ابن مسله عتق شده كه انبهمدلالالان و أمدن أو بالعليم أثرانش به ما بر مالك هم متوجه شده و يالاخره أول تماسكتي كه تتاج وخرم آلراخس خواهدكرد فرانسه است و پس و امرای حاطر این مسلمه است حکه امروز چی در فرانسه متندند که اشمطلال سَأَابِعِ النَّانَ مُشَرُّ أَنِّجَالُ قُرَّأَتُمَهُ بُودُ وَبِمِيَّرَائِينَ است که یك تضمیناتی برای فرانسه تعصیل نمود " طبل ها ابن حقيقت مسلم واحس مسكرده الد و برأى همين است كه روزاامه

نهایش باشکره هالی

حریده سکون سال ( جارچی ملت ) در تحت نظر و کلک فکری عده از

دائش مندان در اوایل جل در سالون کراند منال دامه می شود آمید واریم که علاقه مندان

يممارف من يك بقدر منهور در ابن اص بالما شركت و مالدازه سيم طود در خزيد بليط

عل فروق فابط:

و الله الله والمربه رواروي تلكرافة اله هو روزه الرجهار بظهر قا ظهسر و ال

یك ساعت بعد او ظهر آ خیرار از آب منتوح است . بپائید و از خبرابدو مجلات وكستب

منيده جاما المقال كيد المراج ا

و مدیر مهدی شیرازیان سبق ا

ا قاید دکتر میر باقر

هاى اروبا – دكتر ، لارو ، بوده الد أسبح ها از ، نا ۴ بظهر وصرها ازسه مّا ۵ مد

آدرس : خيابان قوام السلطة – روبروى مدرسه امريكائي :

الو ظهر از مرضى ودير في ميكند و المناه المنا

و غركت شاهنهامي اعلالات و

bo laku o laku o

جراح و طبیب عالی قدری چندین سال معاون یکی از معروف قرین حدراح

خود الهارية - دفتر عبه خورشيد ،- مركز توزيع كل خبرايد - كـ تابيعاله

ورام المرام المر

( نان ) در چند روز قبل نوشت که فرانسه از آلمان هرجه «مى تو آلد» بايد بكيرد يسمى ص چه میخواهد و در ماهده ورسایل د**سک**ر شده نی نواند به اید ،

حال حجد الفرى جرات ابن وأ داراد 4 بكويند المانقادر به يرداخت اين فرامات لمنكفت نيست و بهتر است كه واضع وآشفار قسمت غري رودرن رائس فاموده وتضمياات لازمه وا برای فرانسه تحصیل نمود و برنانید

المنترب است كه فسرائسويها ابن انشه خود وا بموقع اجرا كذارد. و ياحيه روص را اشغال خواهند نمود و آیا دوات مام اواند رفع این مدولیت بزراد تاریخی را از طود تموده و ﴿ يَأْفُرَالُمُهُ ۚ فَوَ أَيْنَ أَمِنَ خَطَرَ قَالُكُ شركت نكد ا

و المات را باید بداند که تجزیت تبدن للمان بمون تخريت ساير قطمات أرويا بجمأل استآيا ماهم بابدديوانكي فرانسويهسارا تهذيب نمائیم کر نبتان ) مورجه دور دسامبرا ۱۹۷۷

المراجع المحالات المحالات

نظر به منبق عل مرکز جمیت أحرار اسلام از خیابان ااسریه به اول خیابان

علاء الدوله بيروني المعشام الساطنه انتقال يأنته 🕺 🦈

المراه الملال المراه المراه المراه الملال المراه الملال الأ

حبون لازم است سكنه محقم شهراز مايدات و مسارف بلديه اطلاطت كامله داشته در خصوص تقاضا های مختلف که راجع إساختن کایه معابر و کشیدن جراغ برق در تمام اواحي شهر أو ساين احتياجات دفعتا از يلديه مي شود ألا هم فالا هم را مشخص فرمايند و كظر فإينكه هر جه تا كاون يوسيله اعلانات استدما شد كه هركس مايل است به كالمه عاسبات بلدیه مراسله قموده و تمام حملیات بلدیه و فرتیب دوائبرآن را رسیدی مسترده و ولاسات صهه و طیریه و کار خانهای الدی را سر کشی نماید سکد، عهر این مستول وا اجایت أنس مود اد و از آن جائبكه بلديد يك مؤسسه اجلماعي و اطلاع از حيرايات امود آن بر همه لازم الله الحقراما استدعا مي شود أهالي محلات علمانه شهر مي چه زود أن براي م تاحیه دو اتر تماینده از طرف خود تعبین فرموده بیلدیه معرفی فرمایند دؤ هفته یك س تبه لا اقل جلسانی در بلدیه قشکیل داده و در کسلیه امور نظارت فرمایلد . این

لمر اعلان ٧ المان ٧

املان

برای دروید جه الدالتجاره برای این که طالعین بیزهت کردش و تجسس و بالا هره منبو نیت و معبوب بودن اجناس دچار قدوند املان مناسب ترین طریقه است ه

در الله متعدله مسلمه اعلان بندری کسب اهیت کرده که مؤسسات بزرگی افرای آبی کبل داده الد

قر ايراف أخيراً إراى أجراه لناريات فوق مؤنسة بنام و عرصت عاهند ال اعلاقات ، تاسيس شده وهن كوله إعلاقاتي كه بدر هم يك از جرايد بخواعله فرج شوء م بذره ا

بكاء تفاوت محسوس اين صل اين است كه اعلان بهترين طرزو باارزان ترين قييت ددج بوشود

چراما بالدن تقاضا

أيراى أينكه اشخاص مجبور أباشاد مرای ایلکه دورتان دجار رو دریایسی شوند

ورای اینکه حبیت روزنامه محنوظ بها ند ما پخوان هیجگس روزنامه خود را معواهيم فرسعاد مكر قبلا تقاشاي ارسال كن بأداره ما رسيده باشد

قیمت اصلی می در است ما مر و در ا

| لبره                                    | غليك | پاس | ليره | شاہنك | إلىن/ | يدا المراجع المنتكى المناجعة  |
|---|------|-----|------|-------|-------|---|
| • |      |     |      |       |       | موسام والك شاهنصا هي ه<br>و قرضهٔ ۱۹۱۱ دولت ايران<br>و متدارفي كيالي الهنت جنوب<br>و متمارني جديد و |

| بورس طهران  |                     |
|---|---------------------|
| 07 - 20 1 0Y - 10 1 0Y - 10 1 0Y - 10 1 0Y - 10 1 0Y  | للدن مك             |
| رافی ۱۵-۱۷ آبان ۱۹-۱۷ آبان ۱۹-۱۷ آبان ۱۹-۱۷ آبان ۱۳-۱۷ آبان ۱۳-۱۷ آبان ۱۳-۱۷ ۱۳-۱۳ ۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳-۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱۳ ۱ |                     |
|   | شو إس               |
|   | نويورك<br>رويبه بمب |

جوانا ن کا سب و کارکر

قرائلخانه دارند - مرروز از جرار ساعت بناسر الى هو از بنب فرائت خانه باز أست أم احكر ميل داريد از أمام خرايد داخله و خارجه استفاده كنيد اكراميخواهيد تصوير بزركان عالم را يه بينيد ـ ١٠ نصد مطالعه حرايد فقائستان وروسيه را داريد تشتريف بياوريد - به لينيد - يخواليد - مطلب باد بكريد - الماريد المرايد المراي أَ الدَّهُ خَارِجُهُ قَدْ مَ مِهَانَا تَدَرَيْنِي مُمِنُودُ لَا سَنَا اللَّهُ اللّ

عل قرائت خانه و مقابل اداره اوزاق العبابان لاله زار امره اهلان الله المراجع المراج

ناك فووشى

ين به الله المرد آزاد الله المرد الراب المرد الراب المرد الراب المرد الراب المرد الراب المرد الراب المرد المرد

حبار راه حدن آباد - دکانغلامحسین خان سیکار فروش۔ میدان دروازه قزوین دواخاله رَمادت بازار جهار روق كوچك دكان صالحيان :

مطبعة بي سفور